ادله چهارگانه شیعه در مورد تقیه

محمد حسین مظفر

بسم الله الرحمن الرحیم

ادله چهارگانه شیعه در مورد تقیه

نویسنده:

محمد حسین مظفر

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

ادله چهارگانه شیعه در مورد تقیه

مشخصات کتاب

مولف:محمد حسین مظفر

مقدمه

تقیه چیست؟ واژه «تقیه» مأخوذ از «وقایه» به معنای سپر است که انسان خود را زیر آن پنهان می سازد و خطرات را از جان و دیگر چیزهای ارزنده اش دفع می کند. شیعه در مورد تقیه به ادله چهارگانه استناد دارد. از قرآن به عنوان نمونه به آیه یاد شده در ذیل توجه کنید: لا ـ یتخذ المومنون الکافرین اولیاء من دون المومنین و من یفعل ذلک فلیس من الله فی شی ء الا ان تتقوا منهم تقاه و یحذرکم الله نفسه. [۱] . مؤمنان نباید همکیشان خود را وانهند و با کافران طرح دوستی ریزند، و هر کس چنین کند او را از دین خدا بهره ای نیست، مگر آنکه در حال تقیه باشید. و خداوند شما را از کیفر این عمل برحذر می دارد و شما را از عاقبت این کار می ترساند. [۲] . پس خدایتعالی مطابق این آیه اجازه می دهد که مؤمنان به هنگام خوف بر جان خود و در مورد تقیه و ترس از شر و آسیب کافران، تظاهر به دوستی آنان کنند تا بدین وسیله از خطر برهند.

دلیل از سنت

دلیل بر جواز تقیه از سنت بویژه در میان احادیث و سنن اهل بیت، زیادتر از آن است که همه اش در این مختصر بگنجد و ما در اینجا بخشی از آنها را خاطرنشان خواهیم ساخت و کافی است آنچه را که شیعه و سنی در داستان عمار روایت کرده اند، در نظر بگیریم و در پیرامون همین ماجرای عمار بود که خداوند آیه «الا من اکره و قلبه مطمئن بالایمان» [۳] را فرو فرستاد.

اجماع

در مشروعیت تقیه، بلکه در وجوب آن احیاناً میان فقها و دانشمندان شیعه اتفاق نظر و باصطلاح اجماع است و شاید مسئله تقیه از آن سلسله مسائل باشد که حتی دو تن نیز در مورد آن اختلاف ندارند.

عقل

عقل هم بطور قطع حکم می کند که انسان در مواقع خطر تا آن اندازه که می تواند باید جان و مالش را از خطر نابودی حفظ کند و خویشتن را در مهلکه نیندازد و حتی قرآن مجید در تأیید این حکم عقل گوید: ولا تلقوا بایدیکم الی التهلکه. [۴] . خویشتن را به دست خود به هلاکت نیندازید. ولا تقتلوا انفسکم ان الله کان بکم رحیما. [۵] . خود را نکشید که خداوند نسبت به شما مهربان و دلسوز است. سیره عقلای جهان نیز بر همین است؛ زیرا انسان بطور غریزی و طبیعی بی آنکه بیندیشد و نظر عقل و شرع را جویا شود، تقیه می کند. هرگاه شما بر مردمی گذر کنید که از لحاظ مذهب و یا خط مشی سیاسی با شما مخالفند و شما از سوی ایشان بر جان خود بترسید، بدون تردید تا می توانید راز دلتان را پنهان نگاه می دارید. از این دیدگاه هرگاه شما تاریخ اسلام را از روزگار نخستین آن مورد توجه قرار دهید، خواهید دید که تقیه به عنوان یک مسئله ضروری،

پناهگاه بوده است. نبی اکرم (ص) در آغاز دعوت، بطور پنهانی اقدام فرمود تا بنی هاشم را فرا خواند و سپس به دستور الهی دعوتش را آشکار ساخت. مسلمانان هم پیش از گسترش اسلام دینشان را کتمان می کردند؛ حتی ابوطالب عموی پیامبر، اسلامش را پنهان می کرد تا بتواند از

برادرزاده اش کاملاً دفاع کند و در این دفاع از تهمت قریش دور باشد. تا آنکه اسلام نیرو گرفت و جریان عکس شد؛ یعنی کافران در مکه و مدینه (از روی تقیه) اظهار اسلام کردند، لیکن در دل خویش کفر می پروردند.

آغاز دوران تقیه

تقیه در عصر امام جعفر صادق (ع) شروع نشده، بلکه در روزگاران پیشترهم وجود داشته است. حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) بخش اعظم عمر خود را در تقیه گذرانده است؛ زیرا او و اندکی از مسلمانان آگاه از ابتدای خلافت این مقام را حق مسلم او می دانستند، اما چون به تعداد کافی کمک و مدد کار نداشت، سکوت اختیار فرمود و به تعبیر خود آن حضرت، اگر چهل مرد جنگی و مصمم می داشت از پس گرفتن حق خلافت باز نمی نشست. آری، حضرت علی (ع) در زمان خلافت خلفای قبل از خود افکار و عقاید خود را داشت و هرگز همرأی و هفکر آنها نبود؛ ولی با آنان می ساخت و با تقیه رفتار می کرد. در شورای شش نفره وقتی که می خواستند با او بیعت کنند، شرط کردند که او بر سیره خلفای پیشین عمل کند؛ اما او سربسته آن را رد کرد و خلافت را تنها براساس عمل به کتاب و سنت پذیرفت و در نتیجه رأی شورا از او برگشت و حتی پس از تصدی حکومت از ابراز بسیاری از مکنونات دل خویش امتناع می کرد؛ زیرا از پائین بودن سطح افکار عمومی آگاهی داشت و مخالفتهای مردم را زیانبار می دانست. مگر نه آن است که در روزگار حکومت آن حضرت، ناکثین، قاسطین و مارقین پیمانشکنی کردند و راه ظلم و ستم پیش گرفتند و از

دیـن خـارج گشـتند؟ پس اگر امیرالمـؤمنین علی (ع) همه آنچه را که می دانست آشـکار می کرد، از بسـیار جهـات دیگر هم دچار مشـکلات می شد. کمااینکه غالب مردم کوفه پایتخت و مرکز حکومت آن حضـرت، شیعه و اهل ولای اهل بیت بودند، ولی باز حضرت علی (ع) نتوانست همه آنچه را که مردم این شهر از روزگاران پیش به ارث برده بودند، تغییر دهد؛ همچنانکه او جز انـدکی از اسـرار دلش را نتوانست برای اهـل کوفه فـاش سازد و تازه این، مربوط به زمانی است که هم قـدرت معنوی و هم حکومت ظاهری از آن او بود. پس پر واضح است که وضع در دورانی که قدرت در دست او نیست و نیز وضع فرزندان او در روزگاران بعـد که شمشـیر جور و سـتم بر بالای سـر آنان قرار داشـته، چگونه باید باشد؟! حضـرت علی (ع) در آن شـرایط خاص و بعـدها فرزنـدان کرامش در آن اوضاع و احوال معلوم، بـدان علت تقیه پیش گرفتند که می دانسـتند ترک تقیه و ابراز حقایق، آنان و دوسـتداران اندکشان را از بین خواهد برد. پیشتر نیز حضرت علی (ع)، پسرانش را به استفاده از تقیه دستور داده بود، چنانکه طبرسی روایت کرده است که حضرت علی (ع) خطاب به فرزندانش فرمود: به شما دستور می دهم که برای حفظ دین و آئین خود به هنگام لزوم، تقیه را بکار گیرید - تا فرمود: - بدین وسیله جان برادران و یاران محفوظ می ماند و این بهتر از آن است که خود را در معرض هلاکت قرار دهید و از حدود دین کنار رفته و جان برادران خود را به خطر اندازید. بهوش

باشـید! مبادا در موارد لزوم از تقیه بهره نجوئیـد که در این صورت در خون خود خواهیـد غلتیـد و وسـیله ریختن خون برادران دیگر خواهیـد شـد و خود و آنان را تباه و هلاک خواهیـد ساخت و ذلیلانه گرفتار دشـمنان دین خواهید گردید؛ در صورتیکه خداوند دستور داده است در عزت مؤمنان بکوشیم. ای فرزند! اگر تو با این وصیت من مخالفت کنی ضرر و زیان تو بر خود و برادران دینی ات از ضرر و زیان ناصبیها و کافران نسبت به ما بیشتر خواهد بود. [۶] . بدین ترتیب ملاحظه می کنید که چگونه امیرالمؤمنین علی (ع) دوستان خود را به رعایت اصل تقیه و بکار بستن آن به هنگام لزوم امر می فرماید و پرده از روی فواید و آثار و نتایج مثبت آن کنار می زند. شـیعه و تشـیع به روزگار حکومت حضرت علی (ع) آشکار گشت، زیرا در آن موقع تمام قدرت در دست امام شـیعه و مرجع آنان قرار داشت؛ پس دشـمنان در هر شهر و دیاری آنان را شناختند و معلوم است که شیعه پس از برگشـتن حکومت چه وضـعی پیدا می کنند و چه سرنوشتی ممکن است در انتظار آنان باشد؟! معاویه با همه امکاناتش و بـا توسـل به هر خـدعه و نیرنگی با شـیعه جنگیـد و از جمله کارهای ننگین او، رواج دادن دشـنام بر حضـرت علی (ع) بود و آنقـدر روی این عمل زشت اصـرار ورزیـد که به تعبیر خودش یک نسل براساس آن پرورش یافت. و چه جنگی از این مهمتر: جنگی روانی - تبلیغاتی؟ سپس بسیاری از رجال معروف و مردان نامدار شیعه را که در کوفه بودند از

دم تیغ گذراند و برای دستیابی به آنان، زیاد را حاکم آن شهر کرد و بصره را نیز بر قلمرو او افزود؛ چرا که زیاد به این منطقه کاملاًـ آشنائی داشته است. مدائنی می نویسد: زیاد آنان را زیر هر سنگ و کلوخی کشت و رعب و وحشتی عجیب در دلهایشان انداخت. دستها و پاها برید، چشمها درآورد، و تن بسیاری از شیعیان را بر شاخه های درخت خرما آویخت و عده زیادی را هم از عراق رانده و دربدر کرد. [۷] و اما آنان که نتوانستند فرار کنند و یا تحت تعقیب قرار گرفتند و به سبب معروفیتشان دستگیر شدند، سرنوشتی جز مرگ خونین نداشتند، چونان حجر بن عدی و عمروبن حمق و مانند ایشان. در تاریخ عبری (مختصر الدول) صفحه ۸۷ چنین می خوانیم: معاویه جاسوسانی بر شیعیان علی (ع) گماشته بود و هر جا سراغی از آنان می گرفت از دم شمشیرشان می گذارنید. و امام محمد باقر (ع) نیز آنجا که مصائب و گرفتاریهای اهل بیت و شیعیان را یاد می کرد، می فرمود: «ماجرای ابتلای شیعه و در بدری آنان پس از شهادت حسن بن علی علیهما السلام سخت غم انگیز است، چون بدرفتاری توسط معاویه به اوج شدت خود رسید. شیعیان در هر شهری به قتل می رسیدند و دست و پاها روی حدس و گمان بریده می شد و سزای دوستی ما و ارتباط با ما عبارت بود از زندان، غارت دارائی و ویرانی خانه و کاشانه.» [۸] . معاویه از وجود حضرت حسن بن علی علیهما السلام بیمناک بود، زیرا انتظار قیام از سوی امام را داشت؛ وانگهی قرار داد صلح آن بزرگوار با معاویه براساس شرایطی

بود، از جمله اینکه خلافت و حکومت پس از مرگ معاویه به حسن بن علی علیهما السلام واگذار گردد و معاویه از این بابت نگران بود و لذا امام حسن (ع) را با زهر مسموم و شهید کرد. پس دیده های مردم تا حسن بن علی علیهما السلام در قید حیات بود به او دوخته بود و با اینکه معاویه از آن حضرت می ترسید، رفتارش آنگونه بود؛ پس معلوم است که پس از شهادت امام طرز رفتار او با شیعیان چگونه خواهد بود! روزگار معاویه و زیاد به پایان رسید و حکومت به دست یزید و ابن زیاد افتاد. ابن زیاد در مدتی کوتاه، مسلم بن عقیل، هانی، رشید هجری و میثم تمار و بسیاری از جوانمردان شیعی را بیرحمانه کشت و عده زیادی را هم به سیاهچالهای زندان انداخت، تا آنکه آمار زندانیان او به دوازده هزار نفر رسید و سرانجام واقعه کربلا رخ داد. اینهمه فشار، ظلم و شکنجه هنوز فراموش نشده بود که عصر حجاج خون آشام فرا رسید و بگذارید وضع این عصر را هم از بیان امام باقر (ع) بشنویم که شخصاً شاهد جریانات تأسفبار آن زمان بوده است: «آنگاه حجاج به قدرت رسید. او شیعیان را به بدترین وضع ممکن قتل عام می کرد و به هر تهمت و گمانی آنان را دستگیر می ساخت و فشار در زمان او به حدی رسید که مردم حاضر بودند به آنان زندیق و یا کافر گفته شود اما شیعه علی (ع) نامیده نشوند.» [۹] ۹ این بود گوشه ای از رفتار امویان با علویان و شیعیان اهل بیت. حال اگر تاریخ عصر عباسی هم با

دقت بررسی و دنبال گردد، معلوم می شود که عباسیان در رفتار قساوتبار خود پیرو امویان بوده اند و آنان نیز همچون آل سفیان، اولاد علی (ع) و محبان اهل بیت را با وضع رقتبار کشته و در بدر کرده اند. آیا با این همه مصیبت و گرفتاری، شیعه می توانست به طور آشکار نظر و عقیده خود را بیان کند و در برابر سلطه های حاکم که با تمام نیرو و برای درهم کوبیدن آنان بسیج شده بودند، بایستد؟. به نظر ما تقیه در این شرایط کاملاً طبیعی بوده و هرگاه خود ما به عنوان یک مسؤاول در چنین تنگنائی قرار می گرفتیم، جز این روش را برای خود و پیروانمان عقلائی نمی دانستیم. آیا عاقلانه است که در چنان اوضاع و احوالی پیروان خود را به افشای راز و ابراز عقیده تشویق کنیم و بدین وسیله آنان را در دام دشمن بدخواه اسیر سازیم و هدف تیر منافقان قرارشان دهیم؟ آیا عقل جز به این حکم می کند که انسان در چنین شرایطی به شکلی محافظه کارانه عقاید و افکار خود را کتمان کند تا از گرفتاری به دست دشمن بدخواه که بر سر کار است، رهائی جسته و از شکنجه و دربدری و کشتار جان سالم به دربرد؟ اما از آنجا که عترت پایه و رکن دوم اسلامند و حافظ شریعت و نگهبان نوامیس دین، اگر امامان روش تقیه را پیش نمی گرفتند و همگی در برابر دشمنان قیام مسلحانه کرده و کشته می شدند، پس تفسیر و بیان شریعت چگونه صورت می گرفت؟ و هرگاه اهل بیت می خواستند عِدل و ملازم قرآن باقی بمانند تا سر حوض بر رسول الله (ص) وارد

شونـد گزیری از در پیش گرفتن تقیه نداشـته انـد تا با پنهانکاری و حفظ اسـرار، ظلم و سـتم، و فساد و گمراهی غاصـبان مقام خلافت را بر ملا سازنـد. از این رو امام جعفر صادق (ع) طی حـدیثی با صـراحت تمام می فرماید: التقیه دینی و دین آبائی ولا دین لمن لا تقیه له و ان المـذیع لامرنا کالجاحد به. [۱۰] . تقیه دین من و دین پـدران من است و آن کس که تقیه ندارد، دین نـدارد. البته کسـی که اسـرار و رازهـای مـا را فـاش کنـد هماننـد کسـی است که منکر حق ما شود. و در مورد دیگر که امام با اصـحاب خاص خود به راز دل پرداخته می فرمایـد: لا تذیعوا امرنا ولا تحدثوا به الا اهله فان المذیع علینا سـرّنا اشدّ مؤونه علینا من عدوّنا انصرفوا رحمکم الله ولا تذیعوا سرّنا. [۱۱] . امر ما را فاش نسازید و آن را جز با اهلش در میان نگذارید، زیرا زحمت و دردسر آن کس که راز ما را فاش می کند از زحمت و دردسر دشمن ما بیشتر است. پراکنده شوید - رحمت خد بر شما - و راز دار باشید. و در حدیثی دیگر فرمود: کسی که در راه ما مظلوم واقع می شود و آهی می کشد، آه او ثواب تسبیح دارد و به کسـی که در راه دوستی و محبت ما غم و انـدوهی رسـید، این غم و اندوه برای او عبات محسوب می گردد و پنهان کردن راز ما جهاد در راه خـدا شـمرده می شود. [۱۲] . و به مـدرک بن هزهـار که یکی از اصـحاب و راویـان موثق و مورد اطمنیان بوده است، فرمود:

یا مدرک! انّ امرنا لیس بقبوله فقط ولکن بصیانته و کتمانه من غیر اهله... [۱۳] . ای مدرک! مسئله با پذیرش امر ما (امامت ما) تمام نمی شود، بلکه نگهداری این امانت و حفظ آن از نا اهلان هم شرط است. به دوستان ما سلام برسان و درود و تحیت ما را به ایشان ابلاغ کن و بگو خدا رحمت کند مردی را که دل مردم را به سوی ما معطوف می دارد و از احادیث ما آنچه را که آنان را یارای قبول و تحمل هست به ایشان بازگو می کند و از طرف آنچه که فهمشان از درک آن کوتاه است، صرف نظر می نماید. امامان شیعه، بطور دائم اصحاب خود را به راز داری و حفظ سرّ فرا می خوانده اند و حتی جابر جعفی، آن راوی موثق و شاگرد مورد اطمینان که از امام باقر و امام صادق علیهما السلام حدیثها روایت کرده است، گفت: پنجاه هزار حدیث و راز در سینه دارم که تاکنون آنها را به احدی نگفته ام. و در حدیثی دیگر گفت: نود هزار حدیث فقط از امام باقر (ع) در دل پنهان دارم و آنها را به احدی بازگو نکرده ام و پس از این هم به کسی نخواهم گفت: [۱۴] . امام ششم به معلی بن خنیس فرمود: به سبب افشای اسرار و رازهای ما خود را گرفتار مسازید که دشمنان اگر خواستند، شما را آزاد کنند و اگر اراده کردند، شما را بکشند. [۱۵] . و در جای دیگر فرمود: معلی جز به سبب افشای حدیث دشوار ما کشته نشد. پس این احادیث پرده از روی فلسفه تقیه بر می دارد و فایده

آن را مشخص می کند و چه بسیار است احادیث در زمینه رازدار بودن نسبت به اسرار امامان، تا اندازه ای که افشای راز و سر آنها قتل عمده محسوب گردیده است. بدین ترتیب، چون ائمه می دانستند که شیعه احیاناً در تنگناهای سختی واقع خواهد شد، طی این احادیث، تقیه را به آنان یاد می دادند و آنان را موظف به رعایت آن می کردند.

تقیه در خدمت دین

اثر و فایده تقیه به عنوان خدمت به دین و جامعه تشیع بر احدی پوشیده نیست؛ زیرا تشیع در کوفه به روزگار زیادبن ابیه بسیار ضعیف شده و از رجال نامدار شیعه احدی در آن باقی نمانده بود و در ایام حجاج هم وضع به جائی رسید که نسبت کفر و زندقه به شخصی بهتر از نسبت تشیع بوده است. ولی از این همه فشار، انزوا و تحت پوشش تقیه زندگی کردن دیری نگذشت تا اینکه تعداد راویان امام جعفر صادق (ع) طبق آماری که ابن عقده ارائه داده است و شیخ طوسی در «رجال»، طبرسی در «اعلام الوری» و محقق در «معتبر» آورده اند، بالغ بر بیش از چهار هزار نفر شدند که اکثر آن راویان، اهل کوفه بوده اند. حسن بن علی وشا از محدثان شیعه و از اصحاب حضرت امام رضا (ع) و از روات موثق می گوید: اگر می دانستم احادیث امام صادق (ع) این اندازه طالب و علاقمند دارد، آنها را بیشتر فرا می گرفتم؛ زیرا من در همین مسجد کوفه نهصدتن را دیدم که همه می گفتند: حدیث فرمود ما را جعفر بن محمد علیهما السلام. و تازه وشا جز اندکی از شاگردان امام را درک نکرده است. بدین ترتیب راز کثرت روایت

از امام صادق (ع) شـناخته می شود و روشن می گردد که چگونه امام، منبع دانشهای سودمند و والای بشری بوده و از زبان آن بزرگوار حکمهـا و حکمتها جاری گشـته است و نیز دانسـته می شود که چرا فرهنگ انتشار یافته از سوی امام به عنوان مـذهب تشیع معروف شده و چگونه و چرا بزرگان و سرشـناسان اهل سـنت، مانند مالک، ابوحنیفه، سفیانها، ایوب سختیانی، شعبه، ابن جریـح و دیگران جملگی از امام شـشم ما حـدیث شـنیده و روایت کرده اند. امام (ع) بدان سـبب توانسـته اینهمه خدمت انجام دهد که خود را از جامعه کذائی آن روز دور نگاه داشـته و از موارد تهمت دوری گزیده و از جدال بر سـر خلافت و حکومت اجتناب فرموده است و در زیر پوشـش تقیه به سازندگی اساسی و اشاعه فرهنگ اسلامی پرداخته و معارف و فضائل اخلاقی را نشـر داده است و اگر امـام راهی جز این انتخـاب می کرد آنهمه دانشـها و فضـیلتها را نمی توانست انتشـار دهـد و طبعـاً مقام و منزلت ائمه اهل بیت ناشـناخته و حقایق قرآنی و علوم دینی زیر ابرهای تیره پنهان می ماند و بشـریت از این معارف والا محروم می گشت. [۱۶] . اگر امام روش خاص خود را پیش نمی گرفت، فضاحت و رسوائیهای دو سـلطه اموی و عباسـی آشکار نمی گردیـد و نیز کوس رسوائی فرقه های باطل زده نمی شـد و حجت و بیان از سوی دانشـمندان و ایـدئولوگهای اسـلامی بر ضـد منحرفان تمام نمی گشت و به هر حال اگر امام روش تقیه پیش نمی گرفت،امروزه جمعیت شـیعیان به میلیونها تن نمی رسید و آنان در همه بلاد جهان منتشر نمی گردیدند. [۱۷] . پس، از مطالب یاد شده

تـأثیر تقیه در خـدمت دین و شـریعت شـناخته گردیـد و معلوم شـد که چگونه امـام صادق (ع) در زیر پوشـش تقیه تاریکیها و تیرگیهای ظلم و گمراهی را زدوده ومردم را با حقایق ایمان آشـنا ساخته و شـبهات و بدعتها را از میان برده است (که اگر امام تقیه نمی کرد، سلطه ستم پیشه عصر، مجال فعالیت به او نمی داد و در همان آغاز امر چراغ عمر شریفش را خاموش می کرد.) ما گمان نـداریم که شـما پس از خوانـدن این مطالب به یاوه هائی که درباره تقیه گفته شـده و می شود، گوش فرا دهید، و نیز نسـبت دادن شـیعه را به بـاطنیگری به علت همین پنهانکـاری و راز داری، پنـداری بیش نخواهیـد دانست. مـا با این بیان، چهرء حقیقی تقیه را نشان داده ایم و برای کسانی که مـدعی انـد محاسن و خوبیهای تقیه بر ما پوشـیده است و روی ایـدئولوژی تقیه پرده ضخیمی است و شاید پشت آن پرده هزاران عیب و نقص وجود داشته باشد، حقیقت امر را روشن ساخته ایم؛ زیرا چه بسا تبلیغات چیهای سوء می گوینـد: کسـی که عقیـده اش را پنهان می دارد، مردم او را چگونه بشناسـند و به مکنون دل او چگونه پی ببرنـد؟ آری، این سـخنان یاوه پس از تشـریح ماهیت تقیه و بیان آثار آن در برهه هائی از زمان، دیگر قابل شـنیدن نیسـتند؛ بویژه امروز که در سایه گسترش و پیشـرفت امر چاپ، دانشهای شیعه و عقاید آنان انتشار یافته، پس پنهانکاری کجاست و تقیه کـدام است. بی شـک تقیه جز در روزگـاری که شـیعه در اقلیت و امکانات محـدود بوده، مورد نداشـته و نـدارد؛ زیرا اگر آن جمیعت اندک هم در اثر

بیباکی و ترک محافظه کاری از دم تیغ دشمن می گذاشتند، اکنون دیگر از اهل بیت و دانشهایشان و این همه احادیث و معارف نام و نشان و خبری نبود. اما امروز که وضع جهان دگرگون شده و شیعه سروسامانی یافته و کتابهای مختلف آنان دنیا را پر کرده است، دیگر از هیچ نویسنده یا خواننده ای پذیرفته نیست که بگویید: مذهب امامیه باطنی است و آنان با پوشش تقیه زندگی می کنند و ما از مبادی فکری و اعتقادی آنان اطلاعی نداریم و از اصول و فروع مذهبشان بی خبریم. زیرا کتابهای شیعه در زمینه علوم و فنون مختلف چاپ شده و در اختیار همگان قرار دارد و منابع و مدارک در این زمینه کاملاً فراوان است. [۱۸] .

پاورقی

[۱] آل عمران /۲۸.

[۲] در ترجمه و تفسیر این آیه از تفسیر مجمع البیان استفاده شده است. نگاه کنید به ج ۱، ص ۴۳۰ غیر از این آیه، آیات دیگری نیز در زمینه تقیه هست که در لابلای بحثهای بعدی مطرح خواهد شد.

[۳] النحل ۱۰۶.

[۴] البقره /۱۹۵.

[۵] النساء /۲۹.

[۶] نگاه کنید به «احتجاج» تألیف احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی از دانشمندان بزرگ شیعه، و این کتاب او بسیار پر فایده و مهم است.

[۷] شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۱، ص ۴۳.

[۸] همان کتاب.

[۹] همان کتاب. [

[۱۰] بحار الانوار، ج ۲، ص ۷۴.

[۱۱] همان کتاب.

[۱۲] همان کتاب، ص ۶۴.

[۱۳] همان کتاب، ص ۶۸.

[۱۴] همان کتاب، ص ۶۹.

[۱۵] همان کتاب، ص ۷۲.

[۱۶] هنگـامی که جامعه در انحطاط فکری و عقیـدتی بسـر می برد و هنوز پیشوای شایسـته را از زمامـدار خود کامه و خودسـر تشخیص نمی دهد، باید

زیر بنای جامعه را عوض کرد و به انسانسازی پرداخت، والا اگر فرضاً حکومت را از دست غاصب گرفتیم، با کدام نیروی انسانی کارها را سامان دهیم؟.

[۱۷] راجع به شیعه، آمار نفوسی آنان، تعداد کشورها و شهرهای شیعه نشین به کتاب «تاریخ شیعه» مراجعه فرمائید.

[۱۸] صفحاتی از زندگانی امام جعفر صادق (ع) محمد حسین مظفر، ص ۱۵۳ - ۶۴.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹